

پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی ایران

دکتر علی اکبر علیخانی*

چکیده: در این مقاله، نحوه پاسخگویی در حقوق اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. امروزه با پیچیده شدن نظامهای سیاسی و اداری از یک سو و گسترده‌گی آنها از سوی دیگر، وجود یک سازوکار پاسخگویی درونی یا بیرونی، اهمیتی زیادی یافته است. پاسخگویی دولت به شهروندان و شیوه‌های مؤثر بر این پاسخگویی از جمله مباحث مهم در این زمینه است. تعامل رهبری با مجلس خبرگان از یک سو و با قوای سه‌گانه و سایر نهادهای موجود در حاکمیت از سوی دیگر، از دیگر مباحث مطرح‌شده از حیطه پاسخگویی است. هر کدام از قوای سه‌گانه نیز علاوه بر اینکه دارای سازوکارهای درونی پاسخگویی در ابعاد اداری، سیاسی، اجتماعی و ... هستند، بر یکدیگر نیز نظارت دارند و هر کدام در حوزه‌ها و زمینه‌های مشخص پاسخگویی قوای دیگر است و در این میان، علاوه بر حاکم قضایی به دلیل تمرکز سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری در قوه قضائیه، نقش پاسخ‌خواهی قوه قضائیه از سایر قوا بیشتر است. نقش بعدی را باید به قوه مقننه داد که با شیوه‌ها و سازکارهای گوناگون و متعددی قادر به پاسخ‌خواهی از سایر قوا و نهادهاست و البته ضمانت اجرایی چندانی ندارد.

کلیدواژه: جمهوری اسلامی، قانون اساسی، حقوق اساسی، پاسخگویی، قوای سه‌گانه، نهادهای مدنی، شوراها

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

مقدمه

یک نظام سیاسی پویا و کارآمد که بتواند کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و در مقابل چالش‌های فزاینده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهد، نظامی است که تمام اجزای آن به تناسب کامل باشد و از جمله ریزنظام‌های آن که در کارایی‌اش بسیار مؤثر است، نظام پاسخگویی است. اهمیت پاسخگویی در هر نظامی به حدی مهم است که موجودیت نظام به آن بستگی دارد؛ زیرا مانع فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود. این مقاله در صدد است ساختار و روند پاسخگویی را در نظام جمهوری اسلامی نشان دهد. ابتدا به بحث کوتاهی در باب ضرورت و اهمیت پاسخگویی می‌پردازیم و پس از آن با بررسی حقوق اساسی جمهوری اسلامی، چگونگی پاسخگویی را در آن نشان می‌دهیم. پاسخگویی دولت به شهروندان، شیوه‌های مؤثر بر پاسخگویی دولت به شهروندان، پاسخگویی به رهبر، پاسخگویی دولت به مجلس و قوه قضائیه و پاسخگویی در درون قوه مجریه، از جمله مباحث مقاله به شمار می‌رود.

۱. اهمیت و ضرورت پاسخگویی

اگر انسان را از دیدگاه اسلام، «موجودی پاسخگو» تعریف کنیم، شاید سخنی به گزاف نگفته باشیم. معاد یکی از اصول دین اسلام است که به موجب آن انسان باید پاسخگوی تمام رفتارهای خود باشد. قرآن نیز تصریح دارد که فقط خداوند بازخواست نمی‌شود و بقیه بازخواست خواهند شد (انبیاء: ۲۳)^۱. اگر هدف این پاسخگویی را سالم‌سازی عملکرد انسان و وادار ساختن او به رفتار درست مبتنی بر محاسبه و تعقل و پایبندی به مجموعه‌ای از اصول و ارزشها بدانیم، آن‌گاه پاسخگویی در حوزه سیاست و اجتماع نیز ضرورت تام پیدا می‌کند. پاسخگویی در اسلام، از درون انسان و پاسخگویی او به خودش آغاز می‌شود^۲ و به حوزه‌های سیاسی - اجتماعی راه می‌یابد. احتمال وجود و بروز خطا،^۳ پیشگیری از فساد احتمالی،^۴ جلوگیری از تضییع منابع و امکانات، انتخاب بهترین شیوه در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و احقاق حقوق شهروندان را می‌توان از دلایل ضرورت پاسخگویی در نظام سیاسی برشمرد.

به همین دلیل، پاسخگویی در حکومت حضرت علی(ع) از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بود. اولین نوع این پاسخگویی، پاسخگویی حاکمان و نظام سیاسی به مردم بود. او استانداران خود را موظف می‌کرد که به مردم پاسخگو باشند و حتی ظن و گمانهای منفی آنان را از طریق پاسخگویی شفاف از بین ببرند (شهیدی، ۱۳۷۴، صص ۳۳۶ و ۳۳۸). خود حضرت علی(ع) نیز، به عنوان حاکم جامعه، به طور مستقیم به اطرافیانش (رک. ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۵، صص ۶۹-۹۸) و مردم پاسخگو بود (رک. فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۱۷۲، ص ۱۷۸ و خطبه ۱۶۲، ص ۱۶۵)^۵ و در این راه درشتیهای آنان را نیز تحمل می‌کرد. دومین نوع پاسخگویی در حکومت امام علی(ع)، پاسخگویی درونی نظام سیاسی و به عبارت دیگر، پاسخگویی مدیران به رده‌های بالاتر از خود بود. امام علی(ع) والیان و مدیران خود را به شدت حسابرسی می‌کرد و ذره‌ای در این راه فروگذار نبود. والیان و استانداران نیز که از شیوه حکومت امام علی(ع) اطلاع داشتند، خود را موظف به پاسخگویی می‌دیدند و به آن تن می‌دادند (فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۱۷۲، ص ۱۷۸ و خطبه ۱۶۲، ص ۱۶۵).^۶

در نظامهای سیاسی - اجتماعی پیچیده امروزی نیز، جوهره پاسخگویی همانند گذشته حفظ شده است، گرچه مباحث پاسخگویی و ابزارها و شیوه‌های آن بسیار تحول یافته‌اند. بر اساس تعاریف امروزی، پاسخگویی «مسئول ساختن افرادی مشخص است تا تضمین شود که وظایف، به موقع و طبق روشها و معیارهای مورد توافق انجام می‌گیرد» (The Blackwell Encyclopedic Dicti. ..., 1995)؛ همچنین، پاسخگویی را «دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده» (Accountability: Power, Ethos..., 1996, pp. 225-7) تعریف می‌کنند. البته در این تعریف، وجود حق پرسش برای فرد، گروه یا سازمانی خاص مفروض است؛ بنابراین، اساساً پرسش مبتنی بر حق است و همین حق، دیگری را وادار به پاسخگویی می‌کند. بسیاری از دانشمندان، وجود یک نظام پاسخگویی پویا و کارآمد را ضرورت انکارناپذیر رشد و توسعه در جهان امروز می‌دانند. نظامی به رشد و پیشرفت دست می‌یابد که یک رابطه نظام‌مند پاسخ‌خواهی و پاسخگویی را بین شهروندان و دولت برقرار سازد (هیوز، ۱۳۷۷، ص ۲۸۲).

امروزه سوء استفاده از قدرت و اختیارات یا به عبارت دیگر فساد اداری، یکی از معضلات کشورهای جهان، به ویژه جهان سوم، به شمار می‌رود و دانشمندان، مهم‌ترین عامل بهبود مدیریت در نظام اداری را، پاسخگویی بیشتر دولت به جامعه می‌دانند؛ زیرا پاسخگویی، با تمرکززدایی از دولت، که به بهبود شیوه‌های تصمیم‌گیری منجر می‌شود، تضمین می‌کند که خدمات دولت مطابق خواسته‌ها و تقاضاهای جامعه باشد. عنصر رقابت، یکی از راههای افزایش پاسخگویی دولت است. برای کاهش فساد در نظام اداری، دولت باید حسابرسی شفاف و انتشارات اطلاعات را گسترش دهد که بتواند در معرض قضاوت جامع قرار گیرد (Tucker et al., 1996, p.163).

در باره اهمیت و ضرورت پاسخگویی، به همین مقدار بسنده می‌کنیم و پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

۲. پاسخگویی دولت به شهروندان

فصل سوم قانون اساسی شامل اصول ۱۹-۴۲، به حقوق ملت توجه دارد و آزادی مطبوعات، رسانه‌ها، احزاب سیاسی، انواع تشکلهای و راهپیماییها را که از راههای احقاق حقوق شهروندان به شمار می‌رود، به رسمیت شناخته است. قبل از بحث شیوه‌های مؤثر بر پاسخگویی دولت به شهروندان، به اجمال نکاتی در مورد مسئولیت مدنی دولت مطرح می‌کنیم.

در ایران تا پیش از مشروطیت و تصویب قانون اساسی، دولت مالک جان و مال مردم بود و در مقابل ضرر و زیانی که به افراد وارد می‌کرد، خود را مسئول و پاسخگو نمی‌دانست و افراد نمی‌توانستند در برابر ضررهایی که به آنها وارد می‌شد، تقاضای جبران خسارت کنند. در جریان تدوین قانون اساسی مشروطیت و سایر قوانین مربوطه، مسئله مسئولیت مدنی دولت در عمل به کلی مسکوت ماند و افراد نمی‌توانستند به استناد قوانین موجود احقاق حق کنند و مقررات «اتلاف و تسبیب» قانون مدنی به سختی به افراد امکان می‌داد که ضرر و زیانهای خارج از قرارداد را جبران کنند، به ویژه اگر این زیانهایی ناشی از دولت بود (جلیوند، ۱۳۷۳، ص ۷۳). با تصویب قانون

مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ به مسئولیت مدنی دولت نیز توجه شد. ماده ۱۱ این قانون می‌گوید:

«کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عملاً و یا در نتیجه بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوط است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت خواهد بود.»

به رغم تصریح ماده مذکور در مورد مسئولیت دولت، ادارات دولتی و کارمندان در برابر ضرر و زیانهایی که به افراد وارد می‌شود، اجرای این قانون را به فراموشی سپرده بودند.

در نظام جمهوری اسلامی مردم می‌توانند در مواردی که ضرر و زیانی از طرف دولت یا کارمندان بر آنها وارد می‌شود، به مراجع ذی‌صلاح از جمله دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، محاکم دادگستری و یا هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری شکایت کنند و دستگاههای مذکور نیز موظف به رسیدگی هستند. اما به علت طولانی شدن مدت رسیدگی و مشکلاتی که این امر در پی دارد، بعضاً مشاهده می‌شود که افراد از پیگیری مسئله منصرف می‌شوند. ضمناً دستگاههای مذکور نیز فقط به مواردی رسیدگی می‌کنند که شکایتی شده باشد و به مسائل مطرح شده در رسانه‌های گروهی، مطبوعات و... رسیدگی نمی‌کنند و خود نیز به دنبال کشف مشکلاتی که دولت و کارمندان برای مردم به وجود می‌آورند، نیستند.

۲-۱. شیوه‌های مؤثر بر پاسخگویی دولت به شهروندان

با مطالعه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و وضع موجود پاسخگویی در نظام سیاسی و اداری ایران، می‌توان چندین شیوه مؤثر بر پاسخگویی دولت را به شرح زیر برشمرد:

۲-۱-۱. مطبوعات و رسانه‌های گروهی

مطبوعات و رسانه‌های گروهی یکی از اهرم‌های مؤثر بر پاسخگویی دولت و بیان‌کننده خواسته‌های مردم به شمار می‌روند. این ابزار اجتماعی در یک نظام مردمی، امکان تبادل افکار و اطلاعات را فراهم می‌کند و دولت و مردم را در جریان مواضع و خواسته‌های یکدیگر قرار می‌دهد (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۲۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل بیست و چهارم مقرر می‌دارد:

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی یا حقوق عمومی باشند...»

علاوه بر آن به موجب اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی،

«در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت

موازن اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد...»

البته در قانون اساسی و قوانین عادی، الزامی برای دولت و مسئولان دولتی در ارائه اطلاعات به مطبوعات و نشریات در نظر گرفته نشده است و حتی چیزی با عنوان الزام به پاسخگویی به انتقادات و مطالب مطرح‌شده در رسانه‌های جمعی ذکر نشده است. همچنین دستگاههایی مثل دیوان عدالت اداری و هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری نیز که در جهت احقاق حقوق مردم و ارباب رجوع فعالیت می‌کنند، صرفاً به شکایاتی که شاکی خاص داشته باشد، باید رسیدگی کنند.

۲-۱-۲. احزاب و تشکلهای سیاسی و صنفی

در قانون اساسی، نظامهای دموکراتیک و پارلمانی، آزادی احزاب و عضویت در آنها حق اجتناب‌ناپذیر ملتها شناخته شده است (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۲۳۰-۲۳۱) و احزاب می‌توانند نقش بسیار مؤثری در پاسخگویی دولت و نظام سیاسی ایفا کنند. در

این خصوص اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی تشکیل احزاب و انجمنهای سیاسی و عضویت در آنها را به شرط آنکه اصول آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، به رسمیت شناخته است. در اجرای این اصل، اولین قانون فعالیت احزاب، جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، ۷ شهریور ۱۳۶۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این قانون به کلیات فعالیت گروهها و کسب مجوز از کمیسیون ماده ۱۰ قانون پرداخته است و در خصوص حقوق احزاب در رابطه با پاسخگویی دولت در برابر آنها اشاره ای ندارد.

۲-۱-۳. اجتماعات و راهپیمایها

بر اساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.»
توجه به این اصل نشان می دهد که قانونگذار تشکیل اجتماعات و راهپیمایها را به عنوان یکی از حقوق شهروندان پذیرفته است. تجربه نشان می دهد که بیشتر اجتماعات خودجوش و مردمی به منزله اخطار به دولت در باره امور اجتماعی و حقوق جمعی مردم در زمینه های مربوطه است. در مورد چگونگی برگزاری راهپیمایها و اجتماعات و مسئولیت دولت در برابر آنها در تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب آمده است:
«برگزاری راهپیمایها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ منحل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میداين و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور است.»

بنابراین، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از این جهت راه را برای پاسخ خواهی مستمر مردمی از دولتمردان باز گذاشته است. به ویژه نمایندگان مجلس

(قانون اساسی، اصل ۸۴)^۷ و رئیس جمهور (قانون اساسی، اصل ۱۲۲)^۸ از آن جا که منتخب مردم می‌باشند، طبق قانون اساسی در برابر مردم مسئول شناخته شده‌اند.

۲-۱-۴. شوراهای اسلامی

شوراها یکی از مناسب‌ترین و بهترین بسترهای لازم برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و اداره جامعه و همچنین، نهادینه کردن پاسخگویی و مردم‌سالاری هستند. با پیروزی انقلاب اسلامی، در شورای انقلاب و سپس در قانون اساسی جمهوری اسلامی حق حاکمیت مردم در سطوح مختلف نظام به رسمیت شناخته شد. در مقدمه قانون اساسی بر لزوم فراهم آوردن زمینه مشارکت فعال همه افراد اجتماع در تمام تصمیم‌گیریهای سیاسی تأکید شده است. همچنین، در اصل ششم قانون اساسی بر این موضوع که امور کشور باید به اتکای آرای عمومی و یا همه‌پرسی اداره شود، تصریح شده است. شوراهای اسلامی کشور یکی از نهادهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای اعمال هر چه بیشتر حق حاکمیت مردم و مشارکت مؤثرتر آنان در امور کشور است. اولین انتخابات شوراهای اسلامی در شهرها و روستاهای مختلف کشور در اسفند ۱۳۷۷ انجام شد. این شوراها طبق قانون تشکیل آنها وظایف متعددی بر عهده دارند که مهم‌ترین آن انتخاب شهردار و نظارت بر امور شهر است و طبعاً شهردار به شورا پاسخگوست.

به موجب اصل صد و سه قانون اساسی،

«استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.»

این نوع پاسخ‌خواهی در واقع نوعی پاسخ‌خواهی مردمی نیز به شمار می‌آید؛ چرا که اعضای آن از میان مردم یک شهر یا روستا که آشنا به امور محلی هستند، توسط مردم آن شهر یا روستا انتخاب می‌شوند و به عنوان نمایندگان مردم بر امور محلی نظارت دارند و حساب‌کشی می‌کنند. البته نظارت یکی از وظایف جنبی شوراهاست و آنها فقط می‌توانند مشکلات و نارساییهای موجود را به مقامات مسئول و یا شوراهای

بالاتر گزارش دهند (فیضی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۵۹) و مسئولان ادارات هر شهر ضرورتاً در برابر آنها پاسخگو نیستند؛ جز شهرداران و دهیارها که منتخب خود این شوراها هستند. طبق ماده ۷۳ قانون شوراها، شورای شهر حق تذکر، سؤال و استیضاح شهردار را دارد؛ در این ماده آمده است:

«چنانچه یک یا چند نفر از اعضای شورای شهر به عملکرد شهردار یا عملیات شهرداری اعتراض یا ایرادی داشته باشند، ابتدا توسط رئیس شورا موارد را به صورت روشن به شهرداری تذکر خواهند داد. در صورت عدم رعایت مفاد مورد تذکر، موضوع به صورت سؤال مطرح می‌شود که در این صورت، رئیس شورا سؤال را کتباً به شهردار اطلاع خواهد داد و حداکثر ظرف ده روز پس از ابلاغ، شهردار موظف به حضور در جلسه عادی یا فوق‌العاده شورا و پاسخ به هر سؤال می‌باشد. چنانچه شهردار از حضور خودداری ورزید و یا پاسخ وی قانع‌کننده تشخیص داده نشود، طی جلسه دیگری موضوع مجدداً به صورت استیضاح که حداقل به امضای یک سوم اعضای شورا رسیده باشد، ارائه می‌شود. فاصله بین ابلاغ تا تشکیل جلسه که از طرف رئیس شورا تعیین خواهد شد، حداکثر ده روز خواهد بود. شورا پس از طرح سؤال یا سؤالات و جواب شهردار، رأی موافق یا مخالف خواهد داد. در صورتی که شورا با اکثریت دو سوم کل اعضا رأی مخالف دهد شهردار از کار برکنار و فرد جدیدی از سوی شورا انتخاب خواهد شد» (منصور، ۱۳۸۱، ص ۸۶).

با توجه به این ماده، شورای شهر نظارت تام و مستمر بر شهردار دارد و شهردار نیز باید در برابر تمام وظایف و اختیارات خود پاسخگوی شورا باشد.

۳. پاسخگویی رهبر به مجلس خبرگان

مجلس خبرگان، که متشکل از فقهای منتخب مردم است، وظیفه نصب، عزل و نظارت بر رهبر را بر عهده دارد؛ این مجلس باید از میان فقهای جامع‌الشرایط، فردی را، که دارای ویژگیها و شرایط لازم برای رهبری است، برگزیند. همچنین در اصل ۱۱۱ قانون

اساسی شرایط عزل رهبر را، که متضمن نظارت مستمر مجلس خبرگان در دوران رهبری او است، چنین بیان کرده است.

«هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هفتم می باشد...»

با وجود این قانون، رهبر در مقابل مجلس خبرگان مسئول و پاسخگوست؛ زیرا بررسی وجود یا نبود شرایط رهبری توسط مجلس خبرگان مستلزم نظارت مستمر این مجلس و پاسخگویی رهبری است (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱).

۴. پاسخگویی به رهبر

۴-۱. پاسخگویی قوای حاکم در برابر رهبر

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام تفکیک قوا پذیرفته شده است، اما برخلاف نظام کلاسیک تفکیک قوا، که قدرت کاملی مافوق قوای سه گانه وجود ندارد (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱)، در جمهوری اسلامی ایران، به موجب اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی این قوا «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» قرار دارند و اصل ۱۱۳ قانون اساسی رهبر را در رأس هرم حاکمیت قرار داده است.

تأسیس نهاد رهبری، سپردن امور به دست فقیه واجدالشرایطی است که:

«ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود می باشد» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۶۸، ص ۱۹).

به همین دلیل سه قوه «مقننه»، «مجریه» و «قضائیه» زیر نظر ولی فقیه قرار گرفته است که از سلامت عملکرد کارگزاران نظام حراست و پاسداری کند. مهم ترین سازوکار آن، مسئولیت این سه قوه در انجام وظایف خود در برابر رهبر و پاسخگو بودن آنهاست که در قانون اساسی نیز به این امر تصریح شده است.

طبق اصل ۶۰ قانون اساسی، بخشی از وظایف و مسئولیتهای قوه مجریه نیز مستقیماً بر عهده رهبری است؛ در عین حال، امضای حکم رئیس جمهور و نیز اختیار

عزل وی پس از رأی مجلس یا تصمیم دیوان عالی کشور مبنی بر عدم صلاحیت وی، دخالت رهبری را در وظایف رئیس جمهور ممکن می‌سازد و این امر مستلزم نظارت کامل رهبری بر کار وی و پاسخگویی رئیس جمهور به ایشان است.

برخی دیگر از وظایف رهبر که می‌تواند به طور غیرمستقیم وسیله‌ای برای پاسخ‌خواهی مستمر و همه‌جانبه او از سازمانهای دولتی باشد، عبارت‌اند از:

- نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام؛
- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه؛
- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت (قانون اساسی، اصل ۱۱۰، بندهای ۲، ۷ و ۸).
- نصب و عزل رئیس قوه قضائیه (قانون اساسی، اصل ۹۱).
- نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما (قانون اساسی، اصل ۱۷۵).

۴-۲. پاسخگویی نهادهای خارج از قوای سه‌گانه

نهادهای و سازمانهای خارج از قوای سه‌گانه هستند که در مقابل رهبر پاسخگو هستند، این نهادها عبارت‌اند از:

۱. بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی؛
۲. شورای عالی امنیت ملی؛
۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام (رک. شریعتی، ۱۳۸۰، صص ۱۶۸-۱۷۰)؛
۴. سازمان صدا و سیما؛
۵. ستاد مشترک نیروهای مسلح و فرماندهان نظامی.

۵. پاسخگویی قوه مجریه به قوه مقننه

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی علاوه بر وضع قوانین، حق نظارت مستمر بر اجرای قوانین را نیز بر عهده دارد (قانون اساسی، اصل ۷۶) که تخلف از مقررات صورت نگیرد؛ بنابراین، در خصوص اجرای قوانین، تمام وزارتخانه‌ها و نهادهای کشور پاسخگوی مجلس هستند (فیضی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹۹). نظارت قوه مقننه و پاسخگویی قوه مجریه به قوه مقننه همه‌جانبه و فراگیر است و به

طرق گوناگون انجام می‌شود. رئیس جمهور پس از انتخاب باید برنامه دولت خود را تسلیم نمایندگان کند و برای وزیران و هیئت دولت رأی اعتماد مجلس را کسب کند. هیئت دولت و وزیران از زمانی که از مجلس رأی اعتماد می‌گیرند، باید پاسخگویی مجلس و نمایندگان مردم باشند. پاسخگویی دولت در برابر مجلس ابعاد مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۵-۱. اجرای قانون

قانونگذاری به نمایندگان مجلس شورای اسلامی امکان نظارت مستمر و همه‌جانبه را می‌دهد. حدود اختیارات وزیران و دولت را قانون معین می‌کند (قانون اساسی، اصل ۱۳۳) و اعضای دولت در اجرای قوانین در مقابل مجلس شورای اسلامی مسئول‌اند (قانون اساسی، اصل ۱۳۷). دولت در صورت نقص در اجرای قوانین و یا عدم اجرای قوانین مصوب مجلس، باید پاسخگو باشد و نمایندگان می‌توانند از طرق قانونی، که به آنها پرداخته می‌شود، از دولت سؤال کنند.

۵-۲. پاسخ به تحقیق و تفحص

نمایندگان مجلس در صورتی که لازم بدانند می‌توانند وزیران را، که بالاترین مقام در وزارتخانه هستند، به مجلس احضار کنند و وزیران نیز موظف به حضور در مجلس و پاسخگویی هستند (قانون اساسی، اصل ۷۰). «حق تحقیق و تفحص» یکی از حقوقی است که به مجلس شورای اسلامی برای کسب اطلاع از روند عملکرد دستگاههای اداری و عمومی در تمام کشور داده شده است. اصل ۷۶ قانون اساسی در این مورد تصریح می‌کند:

«مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.»

و این حق یک اهرم پاسخ‌خواهی بسیار جدی برای مجلس فراهم می‌آورد و تمام سازمانها و نهادهای دولتی و حکومتی را موظف به پاسخگویی می‌کند.

۳-۵. پاسخ به تذکر نمایندگان

در قانون اساسی اشاره‌ای به تذکر نشده است، ولی طبق ماده ۱۴۵ آیین‌نامه داخلی مجلس:

«در صورتی که نماینده‌ای صلاح اندیشیهایی داشته باشد و یا در یکی از سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت و یا مؤسساتی که با سرمایه و یا کمک مالی دولت اداره می‌شود، یا هر نوع سازمان و مؤسسه که بعضاً یا کلاً از وجوه عمومی اداره می‌شود، عملیات مخالف اصول یا بر خلاف قانون و مقررات قانونی مشاهده نماید یا از سوء جریان اداره‌ای اطلاع پیدا کند، حق دارد راجع به آن موضوع توسط رئیس، هرچه زودتر به وزیر مسئول و یا رئیس جمهور کتباً تذکر دهد. رئیس در اولین فرصت مجلس، تذکر او را به دولت یا مسئول مربوطه ابلاغ و خلاصه آن را در مجلس عنوان می‌نماید. رئیس جمهور یا معاون او یا وزیر مربوطه باید پاسخ کتبی خود را مستقیماً با امضای خود به نماینده ابلاغ نماید.»

حق تذکر برای نماینده و پاسخ ارائه‌شده، می‌تواند مقدمه‌ای برای نظارت بر سیاستهای عمومی و برنامه‌های دولت و ارزیابی عملکرد مسئولان به شمار آید.

۴-۵. پاسخ به سؤال نمایندگان

تشریفات سؤال از طریق مجلس نشان می‌دهد که سؤال آثار سیاسی جمعی دارد و ارتباطی فعال بین قوه مجریه و مجلس شورای اسلامی برقرار می‌کند. اگر پاسخ داده شده قانع‌کننده باشد، موجب استحکام اعتماد مجلس به دولت و اعضای آن خواهد شد و در صورت عدم اقناع مجلس از پاسخ، یا عدم پاسخ به سؤال، زمینه برای برخوردهای شدیدتر و حتی استیضاح فراهم می‌شود (فیضی، ۱۳۷۰، ج ۲، صص ۲۳۰-۲۳۱) اصل ۸۸ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول در باره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس

حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد، مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.»

ماده ۱۴۶ آیین‌نامه داخلی مجلس نیز در این مورد متذکر شده است که هر یک از نمایندگان می‌تواند در باره مسائل داخلی و خارجی کشور از دولت سؤال کند. سؤال باید کتبی، به طور صریح و اختصار باشد و در جلسه رسمی به رئیس مجلس داده شود و در همان جلسه عنوان آن قرائت و فوراً برای وزیر مربوط ارسال شود؛ وزیر موظف است تا تاریخ مقرر در مجلس حاضر شود و توضیحات لازم را ارائه کند. در صورتی که سؤال‌کننده قانع شد، مسئله خاتمه می‌یابد، اما اگر پاسخ وزیر، نماینده را قانع نکرد، رئیس مجلس به تقاضای سؤال‌کننده موضوع را به کمیسیون تفحص^۹ ارجاع می‌کند. این کمیسیون موظف است از تاریخ ارجاع سؤال بدون فوت وقت تا مدت ۱۵ روز برای روشن شدن مطلب، به هر طریق که صلاح بداند، اعم از خواستن سوابق امر و یا اخذ توضیح کتبی یا شفاهی از شخص وزیر و هر گونه تحقیق دیگری که لازم بداند، به موضوع رسیدگی کند و گزارش خود را تنظیم و به مجلس تقدیم کند و این گزارش در دستور هفته بعد قرار گیرد و بدون بحث در مجلس قرائت می‌شود.

۵-۵. استیضاح

پاسخگویی فردی و جمعی وزیران در برابر مجلس شورای اسلامی حق استیضاح نمایندگان مجلس را از آنان ایجاب می‌کند. استیضاح نسبت به تذکر و سؤال شرایط پیچیده‌تری دارد. طبق اصل ۸۹ قانون اساسی و ماده ۱۵۰ آیین‌نامه داخلی مجلس، در مواردی که نمایندگان مجلس لازم بدانند، می‌توانند وزیر یا هیئت وزیران را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که به امضای دست‌کم ده نفر از نمایندگان برسد.

منظور از طرح استیضاح عنوان کردن نارساییها و نارضایتیها در اجرای سیاستهایی است که وزیر یا وزیران در زمینه مشخصی دارند. نمایندگان استیضاح‌کننده، وزیر را به

صحن مجلس فرا می‌خوانند که به ایرادات وارد شده پاسخ گوید و پس از آن اعتماد یا بی‌اعتمادی مجلس نسبت به آن وزیر از طریق رأی اکثریت نمایندگان معلوم می‌شود. استیضاح‌کنندگان باید دلایل روشن، دقیق و محاسبه‌پذیری ارائه کنند که وزیر استیضاح‌شونده با درک ابعاد موضوع مورد استیضاح، امکان پاسخگویی و دفاع داشته باشد و مجلس نیز با بررسی و ارزیابی پاسخ، بتواند تصمیم درست اتخاذ کند (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۸۶). ماده ۱۵۱ آیین‌نامه داخلی مجلس مقرر می‌دارد:

«... موضوع استیضاح باید صریحاً با ذکر مورد یا موارد معین شود...، وزیر، یا وزیران، مورد استیضاح موظف‌اند ظرف ده روز پس از طرح آن، در مجلس حاضر شده و به آن پاسخ گویند و از مجلس رأی اعتماد بخواهند» (قانون اساسی، اصل ۸۹؛ آیین‌نامه داخلی مجلس، ماده ۱۵۳).

در مدت ده روز وزیر فرصت دارد با بررسی و مطالعه موارد استیضاح، خود را برای پاسخگویی آماده کند. نمایندگان نیز قادر خواهند بود ابعاد موضوع را بیشتر تحقیق و بررسی کنند. بدین ترتیب، لازمه برقراری ارتباط منطقی بین حق استیضاح، تکلیف پاسخگویی و رأی مجلس، وقوف کامل وزیر و همچنین نمایندگان از کم و کیف استیضاح است.

حضور وزیران در وقت مقرر برای پاسخگویی الزامی است، اما در صورت غیبت وزیر برای پاسخ، نمایندگان در باره استیضاح خود توضیحات لازم را ارائه می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند رأی‌گیری می‌شود. اگر مجلس رأی اعتماد نداد، وزیر مورد استیضاح نمی‌تواند در در جلسه هیئت دولت حضور پیدا کند و در اصل از وزارت عزل می‌شود (قانون اساسی، اصل ۸۹). همچنین نمایندگان مجلس با شرایط خاصی می‌توانند رئیس جمهور را استیضاح کنند. در بازنگری قانون اساسی با توجه به افزایش اقتدار رئیس جمهور و در نتیجه قائل شدن مسئولیت سیاسی برای او در مقابل مجلس، به استیضاح وی نیز در اصل هشتاد و نهم توجه شده است.

استیضاح رئیس جمهور وقتی قابل طرح است که به امضای دست‌کم یک سوم نمایندگان مجلس برسد (قانون اساسی، اصل ۸۹). با توجه به اینکه وی منتخب مستقیم مردم است، طرح استیضاح با امضای تعداد زیادی از نمایندگان ملت را می‌توان

استیضاح مردمی قلمداد و همین تلقی چنین مقامی را موظف به حضور در مجلس و پاسخگویی به ابهامات مورد نظر نمایندگان می‌کند (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۴). رئیس جمهور موظف است ظرف یک ماه پس از طرح استیضاح در مجلس حاضر شود و در باره مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد (قانون اساسی، اصل ۸۹). پس از حضور رئیس جمهور، نمایندگان موافق و مخالف سخنان خود را بیان می‌کنند و پس از دفاع و پاسخ رئیس جمهور، رأی‌گیری علنی با ورقه انجام می‌شود و در صورتی که دو سوم کل نمایندگان به بی‌کفایتی رئیس جمهور رأی دادند، مراتب برای اجرای بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

۶-۵. پاسخگویی به شکایات مردمی

مجلس مسئول رسیدگی به شکایت از نحوه کار قوای سه‌گانه است. طبق اصل ۹۰ قانون اساسی،

«هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت مناسب نتیجه را اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد، به اطلاع عامه برساند.»

با توجه به این اصل، «حق نظارت عامه بر گردش کار دستگاه حاکمه و کل قوای سه‌گانه» مطرح است (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۹۱) و منظور، آن است که هر گاه یکی از قوای سه‌گانه از وظایف قانونی خود تخلف کند و مرتکب خلافی شود، در این صورت، هر کس می‌تواند به مجلس شکایت کند. با این اصل، حق نظارت و پاسخ‌خواهی مجلس شورای اسلامی، به تمام سازمانها و نهادهای حاکمیت توسعه می‌یابد.

انجام کارهای مجلس در سطح داخلی به عهده کمیسیونهای آن است (آیین‌نامه داخلی مجلس، ماده ۴۲)؛ به همین ترتیب، بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی، کمیسیونی

به نام اصل ۹۰ برای اجرای این اصل قانون اساسی و بررسی شکایات مردمی تشکیل شده است (آیین‌نامه داخلی مجلس، ماده ۴۴). این کمیسیون دارای دو واحد «رسیدگی به شکایات»، که اعضای آن کلاً از نمایندگان مجلس هستند، و «واحد دفتر» است (قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، ماده ۱)؛ این کمیسیون می‌تواند با قوای سه‌گانه و تمام وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمانهای وابسته به آنها، بنیادها و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی به یکی از قوای پیشگفته مربوطاند، مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه کند و برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف مسئولان بدون جواب مانده و یا جواب قانع‌کننده به آنها داده نشده است، توضیح بخواهد، آنها مکلف‌اند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. گزارشهای کمیسیون اصل ۹۰ پس از ارائه به هیئت رئیسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌شود (قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، ماده ۱). ماده واحده قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاهها برای رسیدگی به شکایات مردم (مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱) و تبصره الحاقی آن (مصوب ۱۳۶۴/۱۰/۲) و همچنین، قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی (مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۵)، در باره کیفیت اجرای اصل منظور مقرراتی را بیان داشته است.

۵-۷. رسیدگی و تحقیق

وظیفه مجلس در رسیدگی به شکایات، حق هرگونه تحقیق مناسب را می‌دهد و کمیسیون اصل نود مجلس می‌تواند برای اجرای این امر از مسئولان قوای سه‌گانه دعوت یا مستقیماً با آنها مکاتبه کند و آنها مکلف به پاسخگویی هستند (قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، ماده ۱). در صورت تخلف و ثبوت جرم، به دلیل عدم پاسخگویی و جواب قانع‌کننده در اسرع وقت، متخلف به مجازات حبس از سه ماه تا یکسال و انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد (قانون تبصره الحاقی به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم، مصوب ۱۳۶۶/۲/۵). چنانچه شکایتی نیاز به تحقیق و بررسی داشته باشد، کمیسیون می‌تواند بازرسی یا بازرسانی را از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون اعزام کند.

در این صورت مسئولان ذی‌ربط موظف‌اند همکاری لازم را از هر جهت با آنان معمول دارند (قانون تبصره الحاقی به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم، مصوب ۱۳۴۶/۲/۵، ماده ۴). بازرس یا بازرسان موظف‌اند همه موازین قانونی و شرعی را رعایت و گزارش مأموریت خود را به انضمام نظرات کتبی فرد یا افراد متخصص در مواردی که همراه داشته باشند، ظرف مدتی که هیئت رئیسه کمیسیون معین می‌کند، به کمیسیون تسلیم کنند (قانون تبصره الحاقی به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم، مصوب ۱۳۴۶/۲/۵، ماده ۴).

قانون اساسی، مجلس را پس از بررسی مکلف به پاسخ به شاکی کرده است؛ بر این اساس، وظیفه مجلس فقط تشخیص موضوع (تخلف یا عدم تخلف) است و این موضوع می‌تواند «مبنای» صدور حکم باشد؛ نه اصل حکم. چرا که صدور حکم در این موارد طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه دادگستری است. به این ترتیب، ارائه پاسخ توسط مجلس به منزله نتیجه رسیدگی نیست. البته کار مجلس چندان هم عاری از نتیجه نخواهد بود؛ زیرا به موجب تبصره ماده ۵ قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی، «کمیسیون پس از بررسی لازم و احراز متخلف، از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضائی خارج از نوبت را می‌کند. دادگاه مکلف است پس از صدور حکم نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد». با این الزام قانونی، احتمالاً در صورت امکان کمیسیون قادر خواهد بود حکم صادره به نفع شاکی را همراه با پاسخ کافی برای وی ارسال کند.

قانون اساسی همچنین مجلس را موظف کرده است مواردی را که مربوط به عموم باشد، به اطلاع مردم برساند. در این خصوص ماده ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ اعلام می‌کند: رسانه‌های عمومی می‌توانند گزارشاتمی را که مربوط به عموم باشد و کمیسیون اصل ۹۰ از طریق تریبون مجلس اعلام می‌کند بدون هر نوع تعبیر و تفسیری به اطلاع عامه برسانند.

۶. پاسخگویی به قوه قضائیه

هیچ سازوکار خودکار پاسخگویی به قوه قضائیه وجود ندارد، قوه مجریه و سایر سازمانها و نهادها، فقط در صورت شکایت شاکی و آن هم منحصرأ در موضوع شکایت، به قوه قضائیه از راههای زیر پاسخگو هستند:

۶-۱. دادگاه عمومی

دادگاه عمومی به منظور رسیدگی به همه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد با صلاحیت عام تشکیل شده است (قانون دادگاه عام، ماده ۱)؛ بنابراین، در حال حاضر نقطه اصلی سازمان قضائی دادگاه عمومی است. با تأسیس دادگاه عمومی در هر حوزه قضائی، رسیدگی به همه امور مدنی، جزایی و امور حسبه بر عهده آن دادگاه است. دادگاه عمومی بر حسب اینکه در بخش یا شهرستان یا مرکز استان تشکیل شود، از حیث امور قضائی و صلاحیت رسیدگی تفاوتی ندارد. صلاحیت دادگاه عام بدوی در سراسر کشور یکسان است و هر دادگاه عام با یک نفر قاضی امر رسیدگی را عهده‌دار است. این قاضی ممکن است متصدی دادگاه، رئیس شعبه دادگاه یا علی‌البدل باشد.

با توجه به توضیحات پیشین، دادگاه عمومی صلاحیت بررسی تمام امور را بر عهده دارد؛ لذا مردم در مواردی که از نحوه کار ادارات و کارمندان دولت و... شکایتی دارند، می‌توانند به این دادگاه برای رسیدگی امر مراجعه کنند. همچنین، به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی، دادگاهها و قضات موظف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی مخالف مقررات اسلامی یا خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه خودداری کنند.

۶-۲. دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری یکی از مراجع تخصصی قوه قضائیه است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد. از زمان مشروطیت سالها این بحث وجود داشت که باید مرجعی برای رسیدگی به تخلفات اداری و رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات اداری و آیین‌نامه‌های خلاف قانون به وجود آید. به همین منظور در سال ۱۳۳۹ قانونی

به نام «تشکیل شورای دولتی» به تصویب مجلسین رسید که هرگز اجرایی نشد (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۲۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر مهم توجه کرد و اصل ۱۷۳ را به آن اختصاص داد:

«به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.»

در واقع، این دیوان تأسیس شد که نسبت به جرایم خاصی که احیاناً کارگزاران دولت از وزیران و معاونان تا رئیس‌ان، مدیران و کارمندان سازمانهای وابسته در رابطه با وظایف اداری مرتکب می‌شوند و قوانین مربوطه را رعایت نمی‌کنند یا تصمیم خلاف قانون می‌گیرند و یا بخشنامه یا آیین‌نامه‌ای خلاف قانون می‌گذرانند، به تظلمات و شکایات مردم رسیدگی کند و از تضییع حقوق ارباب رجوع جلوگیری کند (یزدی، ۱۳۷۵، ص ۷۰۵).

ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری بر اساس اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی، صلاحیت دیوان را در ۵ مورد مشخص کرده است که در هر مورد رسیدگی دیوان با درخواست شروع می‌شود که باید از طرف فرد حقیقی و یا حقوقی تنظیم و تسلیم دیوان شود. صلاحیتهای دیوان عبارت‌اند از:

۱. رسیدگی به شکایات علیه تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات، شرکتهای دولتی، شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها. تمامی واحدهای اداری موظف‌اند در تصمیم‌گیریها و اقدامی که خلاف قانون یا حقوق عمومی انجام گرفته است، پاسخگو باشند (رک. مدنی، ص ۱۵۹)؛

۲. رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای دولتی، وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شهرداریها و نهادهای انقلابی در ارتباط با وظایف اداری آنها. مأموران دولت باید در تمامی سطوح در انجام وظایف خویش همواره قانون را ملاک قرار دهند و بر طبق آن در هر مورد تصمیم بگیرند و نمی‌توانند اقداماتی خلاف وظیفه اداری یا خلاف قانون و یا خارج از صلاحیت و حدود اختیارات قانونی

انجام دهند و یا از اجرای قوانین و مقررات سر باز زنند و موجب ضرر و زیان و تضییع حقوق افراد را فراهم سازند و در این زمینه باید پاسخگو باشند (رک. مدنی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۹)؛

۳. رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به آراء و تصمیمات قطعی کمیسیونها، هیئتها و شوراهایی که بر طبق قوانین مختلف در وزارتخانه‌ها، سازمانها، ادارات دولتی و شهرداریها تشکیل شده است و به مسائل خاصی رسیدگی می‌کنند؛ مانند هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری، هیئتهای حل اختلافات مالیاتی، کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها، کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و منابع طبیعی، هیئتهای هفت نفری مربوط به کشت زمینها، آرای شورای عالی ثبت و هیئت عالی نظارت و نظایر اینها؛

۴. رسیدگی به شکایات قضات و کارمندان مشمول قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمان واحدها، مؤسسات، شرکتهای دولتی، شهرداریها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها از حیث تضییع حقوق استخدامی؛

۵. رسیدگی به شکایات مربوط به تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و دیگر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری که خلاف شرع یا قانون یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه صادر شده باشد. در این مورد اصل ۱۷۰ قانون اساسی تصریح کرده است:

«قضات دادگاهها، مکلف‌اند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.»

البته در مورد احکام اسلامی، در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، «تشخیص موضوع خلاف شرع بودن مقررات» را شورای نگهبان بر عهده دارد. این ماده بیان می‌کند:

«در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی دیوان عدالت اداری موظف است چنانچه شکایتی مبنی بر خلاف بعضی از تصویب‌نامه‌ها و یا آیین‌نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی مطرح گردید، شکایت را به شورای نگهبان ارجاع

کند. چنانچه شورا طبق اصل ۴، خلاف شرع بودن را تشخیص داد دیوان حکم ابطال آن را صادر می‌کند.»

۷. پاسخگویی در قوه مجریه

در نظام سلسله‌مراتبی قوه مجریه، افراد در انجام وظایف خود پاسخگویی مقام بالاتر هستند و مقامات بالاتر مسئولیت کارها و وظایف افراد زیر امر خود را بر عهده دارند و باید پاسخگویی رفتارها و اعمال آنها در برابر مقامات ذی‌صلاح باشند. در این بین مسئولیت رئیس جمهوری و وزیران سنگین‌تر است. در ادامه بحث مسئولیت رئیس جمهور و وزیران مطرح می‌شود و سپس ارگانهای نظارتی در قوه مجریه بررسی می‌شوند.

۷-۱. پاسخگویی رئیس جمهور

رئیس جمهور رئیس هیئت وزیران را بر عهده دارد؛ به همین دلیل طبق اصل ۱۳۴ قانون اساسی او در برابر مجلس، مسئول اقدامات وزیران است و باید در مقابل نمایندگان ملت پاسخگو باشد؛ همچنین، به موجب اصل ۱۲۲ قانون اساسی «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بر عهده دارد، در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول» و پاسخگوست. به این ترتیب، رئیس جمهور نه تنها به عنوان رئیس دولت بلکه در قبال تمام وظایف و اختیاراتی که قانون به او محول کرده است، در مقابل رهبر، مجلس و مردم مسئولیت دارد و باید پاسخگویی آنها باشد.

همچنین رئیس جمهور در مقام ریاست دولت، برنامه سیاسی خود را که به طور ضمنی از طریق رأی اعتماد به وزیران به تأیید مجلس رسانده است، برای اجراء در اختیار وزیران قرار می‌دهد. ضرورت حسن خدمت و وظیفه از طرف وزیران، به رئیس جمهور حق می‌دهد که به موجب قانون اساسی بر تمامی مراحل و جزئیات کار آنها نظارت کند و از آنها پاسخ بخواهد و خود در خصوص هیئت وزیران پاسخگو باشد. پیچیدگی و حساسیت کار دولت اقتضاء می‌کند که رئیس جمهور در اعمال نظارت خود از ابزار مناسبی برخوردار باشد. اصل ۱۲۶ قانون اساسی با تصریح به اینکه «رئیس

جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی را مستقیماً بر عهده دارد»، در واقع، ابزار نظارتی مهم و گسترده‌ای را در اختیار وی قرار داده است. علاوه بر آن، مطلق حق نظارت رئیس جمهور بر کار وزیران، زمینه این امکان را برای او فراهم می‌سازد که به هر طریق مقتضی و ممکن از نظام اداری زیر فرمان خود، پاسخ بخواهد و در مقابل مراجع خارج از قوه مجریه پاسخگو باشد (هاشمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۹۷).

۲-۷. پاسخگویی هیئت وزیران

به موجب اصل ۱۳۷ قانون اساسی:

«هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، مسئول اعمال دیگران نیز است.»

مسئولیت فردی و جمعی وزیران لازمه حق نظارت سیاسی مجلس بر کار قوه مجریه است؛ به همین اعتبار وزیران مسئولیت سیاسی و اداری در برابر رئیس جمهور دارند و در خصوص مجموعه زیر فرمان خود به او پاسخگو هستند.

۳-۷. پاسخگویی به مشکلات مردم

علاوه بر موارد بالا، نهاد ریاست جمهوری نیز پاسخگوی مردم است. در این نهاد دو واحد با عناوین «واحد ارتباطات مردمی» و «واحد رسیدگی به موارد تخلف و تظلم در دستگاه‌های دولتی» در ارتباط مستقیم با مردم هستند و تخلفات و تظلمات در دستگاه‌های دولتی را رسیدگی می‌کنند. این واحدها بیشتر از باب اشراف و آگاهی مقام ریاست جمهوری عمل می‌کنند و به دلیل نداشتن اقتدار اجرایی و سازوکار روشن پاسخگویی، مسئله را از طریق کدخدانمنشی رفع و رجوع می‌کنند. به عبارتی این دو واحد در مقام ستاد شخصی رئیس جمهور عمل می‌کند و نتایج بررسی را به اطلاع ایشان می‌رسانند.^{۱۰}

۴-۷. پاسخگویی نظام اداری به سازمان مدیریت

بر طبق قانون اساسی رئیس جمهور مسئولیت امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد (قانون اساسی، اصل ۱۲۶). این سازمان با ادغام در سازمان برنامه و بودجه، به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تغییر نام داد و مستقیماً زیر نظر رئیس جمهور قرار دارد و از طریق یکی از معاونان رئیس جمهور اداره می‌شود. هدف این سازمان «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیل غیرضروری در راستای نیل به نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در جهت تعهدات اداری»^{۱۱} است. همه سازمانها وزارتخانه‌های دولتی باید به این سازمان پاسخگو باشند.^{۱۲}

۵-۷. پاسخگویی مالی دستگاههای دولتی

علاوه بر پاسخگویی وزارتخانه‌ها و دستگاههای اداری به رئیس جمهور و پاسخگویی هر وزارتخانه به وزیر مربوطه، همه وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی از نظر مالی به وزارت امور اقتصادی و دارایی پاسخگو هستند. بر طبق ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی کشور، اعمال نظارت مالی بر مخارج وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی از نظر انطباق پرداختها با قوانین و مقررات راجع به هر نوع هزینه، به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است. ذیحسابان وزارت امور اقتصادی در دستگاههای مذکور شبکه وسیعی را تشکیل می‌دهند که به وسیله آنها وزارت اقتصاد و دارایی بر دخل و خرج دستگاه اداری و اجرایی بودجه کشور نظارت می‌کند و آنها به این وزارتخانه پاسخگو هستند.

۶-۷. پاسخگویی به دفاتر بازرسی

دفاتر بازرسی، ارزشیابی و رسیدگی به شکایات در وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی با عناوین مختلف وجود دارند و وظیفه بازرسی و ارزشیابی واحد اداری متبوع خود را بر عهده دارند. این دفاتر از لحاظ سلسله مراتب اداری در بعضی دستگاهها زیر نظر مستقیم بالاترین مقام یا یکی از معاونتها قرار دارند. این واحدها متعاقب تصویب‌نامه هیئت وزیران جمهوری اسلامی ایران بر اساس پیشنهاد سازمان امور اداری و استخدامی کشور^{۱۳} در همه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی زیر نظر بالاترین مسئول دستگاه

ذی‌ربط با رعایت مقررات مربوطه و همچنین دستورالعمل سازمان امور اداری و استخدامی کشور تشکیل شد و سه وظیفه «ارزشیابی»، «بازرسی» و «رسیدگی به شکایات» را بر عهده آن واحد گذاشته شده است؛ در زمینه بازرسی و رسیدگی به شکایات، تمام بخشهای هر سازمان و وزارتخانه‌ای، باید به این دفاتر پاسخگو باشند.^{۱۴}

۷-۷. پاسخگویی به دفاتر حراست

شاید بتوان نوعی شأن پاسخ‌خواهی در برخی مسائل برای وزارت اطلاعات قائل شد که از طریق دفاتر حراست مستقر در وزارتخانه‌ها، سازمانها و دستگاههای مختلف، به طور مستمر بر این دستگاهها و کارکنان آنها، به ویژه در گزینش، اعمال می‌شود. البته دفاتر حراست طبق قوانین و مصوبات موجود وظایف تعریف‌شده‌ای دارند که بیشتر امنیتی و حفاظتی است. در این چارچوب، ادارات و سازمانها موظف به همکاری با این دفاتر هستند و این دفاتر در باره وظایف خود به ویژه مسائل حفاظتی و امنیتی پاسخگوی مقامات بالاتر هستند.^{۱۵}

۸-۷. پاسخگویی به هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری

هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت، از جمله واحدهایی است که در وزارتخانه‌ها و سازمانهای اداری به وجود آمده است و کارمندان در موارد تخلف باید پاسخگوی این هیئتها باشند. این هیئتها جانشین «دادگاههای اداری» پیش‌بینی‌شده در قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ و همچنین «هیئتهای بازسازی نیروی انسانی» مصوب ۱۳۶۰ شده‌اند. این هیئتها باید در هر وزارتخانه یا سازمان مستقل کشوری تشکیل شوند و به تخلفات اداری مستخدمان رسیدگی کنند. هیئتهای رسیدگی شامل هیئتهای بدوی و تجدید نظر است (قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، ماده ۱). اعضای هیئتها با حکم وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی مربوطه انتخاب می‌شوند (قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، ماده ۳). صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیئت بدوی است و آرای صادرشده در صورتی که قابل تجدید نظر نباشد، از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم الاجراست. در مورد آرای که قابل تجدید نظر است، هیئت تجدید نظر مکلف است پس از درخواست

کارمند مبنی بر تجدید نظر، رأی صادر شده را بررسی کند (قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲/۹/۷، ماده ۴). از جمله تخلفاتی که در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ذکر شده است و کارکنان در این موارد به این هیئتها پاسخگو هستند، عبارت‌اند از:

۱. اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری؛
۲. نقض قوانین و مقررات مربوطه؛
۳. ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی بدون دلیل و....

طبق ماده ۱۸ قانون مذکور:

«کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شرکتهای ملی نفت و گاز و پتروشیمی، شهرداریها، بانکها و مؤسسات و شرکتهای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی مشمول این قانون هستند.»

و هیئتهای رسیدگی به تخلفات در آنها تشکیل و به تخلفات اداری کارمندان و کارکنان، اعم از رسمی، پیمانی، ثابت، دائم و قراردادی (آیین‌نامه اجرایی رسیدگی به تخلفات اداری، تبصره ماده ۱) رسیدگی می‌کنند. هیئتهای رسیدگی موظف‌اند پس از انجام بررسیهای لازم، موارد اتهام را به طور کتبی به کارمند ابلاغ و پس از آن ده روز مهلت برای دفاع کارمند منظور کنند. این هیئتها در صورت تقاضای کارمند، مدارک لازم را در اختیار وی قرار می‌دهند (آیین‌نامه اجرایی رسیدگی به تخلفات اداری، تبصره ماده ۱۷). متهم می‌تواند پس از اطلاع از موارد اتهام و در مهلت تعیین شده توسط هیئت، جواب کتبی و مدارکی را که در دفاع از خود دارد، به هیئت تسلیم کند. در غیر این صورت، هیئت می‌تواند به موارد اتهام رسیدگی و رأی لازم را صادر کند (آیین‌نامه اجرایی رسیدگی به تخلفات اداری، تبصره ماده ۱۸).

۷-۹. پاسخگویی به سازمان حسابرسی

فلسفه وجودی سازمان حسابرسی، کشف تقلب است و زیر نظر قوه مجریه بازرسی در شرکتهای دولتی را بر عهده دارد. در این سازمان علاوه بر وظایف مقرر در قانون تجارت برای بازرسی قانونی، حسابرسی صورتهای مالی را نیز انجام می‌دهد.

جمع‌بندی

- برای ایجاد یک نظام پاسخگویی کارآمد، باید موارد زیر مد نظر قرار گیرد:
۱. آشنا ساختن مردم با وظایف و کارکردهای ادارات و سازمانها در خصوص پاسخگویی و پاسخ‌دهی آنها که ناشی از یک نظام کارآمد اطلاع‌رسانی است.
 ۲. تعدد مراجع پاسخ‌خواه و روشن نبودن حدود وظایف آنها، روند پاسخگویی را دچار مشکل می‌کند. دستگاههای پاسخ‌خواه باید هماهنگ باشند و در فعالیتهای آنها تداخل در وظایف دیده نشود.
 ۳. در قوانین دستگاههای پاسخ‌خواه، بازرسی یا رسیدگی به عملکرد افراد و ادارات همواره با آمریت همراه نباشد، به طوری که مثلاً برای دعوت از مسئولان برای همکاری در تسهیل و بهبود برای انجام امر پاسخگویی هیچ گونه پاداشی ذکر نشده باشد و اساساً پاسخگویی، یکی از معیارهای کارآمدی و نقاط قوت مدیران و ادارات به شمار نرود. بدیهی است تا زمانی که پاسخ‌خواهی و پاسخگویی به عنوان شیوه‌ای مؤثر برای کارآمدسازی نظام اداری تلقی نشود، راه به جایی نمی‌برد.
 ۴. نبود دستگاههای پاسخ‌خواه محلی و تمرکز امور در مرکز، به نوبه خود مشکلاتی در شکل‌گیری یک نظام پاسخگویی و پویا ایجاد خواهد کرد.
 ۵. بی‌توجهی به پاسخ‌خواهی مردمی و مدنی به خصوص مطبوعات، احزاب و ... که جلوه‌ای از نظارت مردمی هستند و برخورد سلیقه‌ای با آنها در عمل، از دیگر دلایل عدم شکل‌گیری نظام پاسخگویی پویا به شمار می‌رود.
 ۶. نبود مرکزی در درون قوه مجریه که به شکایات از نحوه کار ادارات و سازمانهای دولتی و عدم پاسخگویی آنها رسیدگی کنند نیز به روند پاسخگویی ضربه

می‌زند. هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری تنها مسئول رسیدگی به شکایات از فرد کارمند هستند و مسئولیت رسیدگی به تخلفات یک اداره یا سازمان را ندارند.

۷. سازمانهایی که در ارتباط با احقاق حقوق شهروندان و ارباب رجوع فعالیت دارند، تنها در صورت شکایات افراد رسیدگی می‌کنند و مسئولیت قانونی و تصریح شده‌ای در قبال شکایاتی که در مطبوعات و رسانه‌ها منعکس می‌شوند، ندارند و این امر یک خلأ در امر پاسخگویی به شمار می‌رود؛ از سوی دیگر، سازمانهای مذکور تا زمانی که شکایتی صورت نگرفته باشد، اقدامی نمی‌کنند و در پی کشف و یا پیشگیری از وقوع تخلف نیستند.

۸. در خصوص قوه قضائیه، کمیسیون اصل ۹۰ به شکایاتی که از نحوه کار قوه قضائیه انجام می‌شود، رسیدگی می‌کند، ولی این کمیسیون موظف و مسئول نیست که به تصمیمات و عملکرد قوه قضائیه که مخالف خواست عامه مردم است، رسیدگی کند و آنها را نقض و بلااثر کند. در عین حال، در مواردی که کمیسیون پس از شکایات افراد تصمیمی یا عملکردی را مخالف قانون یا خواست عمومی یافت، قدرتی در ابطال یا جلوگیری از آن ندارد و فقط می‌تواند آن را به شاکی یا عامه مردم اعلام کند.

۹. باید سازوکار و نهادی وجود داشته باشد که آیین نامه و تصویب اجرایی دولت را قبل از اجرا یا در حین اجرا بررسی کند که مخالف حقوق افراد و شهروندان نباشد. در این مورد نیز دیوان عدالت اداری بعد از شکایت افراد، مسئول رسیدگی است.

۱۰. یک نظام پاسخگویی پویا باید به صورت مداوم و خودکار، اجزای مختلف نظام را به پاسخ‌خواهی فرا خواند. مجلس شورای اسلامی علی‌رغم قدرت پاسخ‌خواهی مستمر از مقامات ارشد قوه مجریه، مسئولیتی در مورد نظارت بر عملکرد ادارات و سازمانهای دولتی و رسیدگی به شکایات مردم از عملکرد ادارات رده پایین قوه مجریه ندارد. البته در مواردی که طرح تحقیق و تفحص از سازمان یا وزارتخانه‌ای تصویب شود، ممکن است این نوع نظارت نیز انجام شود، ولی پاسخ‌خواهی مداوم و مستمر در این مورد وجود ندارد.

یادداشتها

۱. «لا یسأل عما یفعل و هم یسئلون».
۲. قال رسول الله: یا اباذر، لا یكون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه أشد من محاسبة الشریک لشریکه، فیعلم من این مطعمه و من این مشربه و من این ملبسه ... (الری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۶۲۴؛ همچنین فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۸۶، ص ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۷۲).
۳. «یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله» (صاد: ۲۶)؛ «و ما ابریء نفس ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی» (یوسف: ۵۳).
۴. قال رسول الله «صنفا من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی، قیل یا رسول الله و من هم؟ قال: الفقهاء و الامراء (الحرانی، ۱۳۸۶، ق، ص ۵۰).
۵. همچنین محمودی (بی تا)، ج ۲، ص ۳۰۹ و العقاد، ۱۳۸۶، ق، ص ۲۹.
۶. همچنین محمودی (بی تا)، ج ۲، ص ۳۰۹ و العقاد، ۱۳۸۶، ق، ص ۲۹.
۷. اصل ۸۴ قانون اساسی: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است...».
۸. اصل ۱۲۲ قانون اساسی: «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد، در برابر ملت... مسئول است».
۹. ماده ۱۴۸ آیین نامه داخلی مجلس؛ بررسی سؤالات نمایندگان در سالهای اخیر، به عهده کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گذاشته شد و بدین ترتیب، کمیسیون مذکور به کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ تغییر نام یافت.
۱۰. بررسی پیرامون موضوع رسیدگی به شکایات مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری سازمان اداری و استخدامی کشور، نشریه شماره ۲۶، ۱۳۶۵، صص ۴-۵.
۱۱. اهداف، وظایف و تشکیلات تفصیلی سازمان امور استخدامی و اداری کشور، ۱۳۷۷، ص ۵.
۱۲. همان، صص ۵-۷.
۱۳. پیشنهاد شماره ۱۲۰۶/د مورخ ۶۳/۳/۲۲ سازمان امور استخدامی و اداری و مصوبه ۱۳۶۳/۲۵/ ۳۲۶۰۴ هیئت وزیران.

۱۴. بررسی پیرامون موضوع رسیدگی به شکایات مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، همان، صص ۱۰-۱۱.
۱۵. بر اساس شرح وظایف دفاتر بازرسی سازمانهای مختلف «پرونده واحدهای بازرسی» هیئت عالی نظارت، سازمان امور اداری و استخدامی.

کتابنامه

- آیین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری.
- آیین نامه داخلی مجلس.
- ابن ابی الحدید (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه. ج ۱۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جلیلود، یحیی (۱۳۷۳). مسئولیت مدنی قضات و دولت در حقوق ایران، فرانسه، آمریکا و انگلیس. تهران: نشر یلدا.
- الحرائی، علی بن الحسین (۱۳۸۶ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر الغفاری. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- الری شهری محمد (۱۳۷۵). میزان الحکمة. ج ۱۰. قم: دار الحدیث.
- شریعتی، محمدصادق (۱۳۸۰). مجمع تشخیص مصلحت نظام. قم: بوستان کتاب.
- شهیدی سیدجعفر (۱۳۷۴). ترجمه و شرح نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- العقاد، عباس محمود (۱۳۸۶ق). عبقریه الامام علی (ع). بیروت: مکتبه العصریه.
- فیض الاسلام اصفهانی، علینقی (۱۳۵۱). ترجمه و شرح نهج البلاغه. چاپ افست.
- فیضی، طاهره (۱۳۷۰). مبانی مدیریت دولتی. جلد دوم. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قانون اساسی.
- قانون تبصره الحاقی مصوب ۱۳۶۴/۲/۵ به ماده واحده قانون اجازه مکاتبه مستقیم.
- قانون دادگاه عام.
- قانون رسیدگی به تخلفات اداری. مصوب ۱۳۷۲/۹/۷.
- قانون نحوه اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلسی، علامه محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. ج ۷۰. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- المحمودی، الشیخ محمدباقر (بی تا). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. ج ۲. بیروت.

- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۶). **حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران**. ج ۴. تهران: سروش.
- مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری سازمان اداری و استخدامی کشور، نشریه شماره ۲۶، ۱۳۶۵
- **مقدمه قانون اساسی (۱۳۶۸)**، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۱). **قوانین و مقررات مربوط به شوراهای اسلامی**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۲). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**. ج ۱-۲. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هیوز، آون (۱۳۷۷). **مدیریت دولتی نوین**. سید مهدی الوانی و دیگران. تهران: انتشارات مروارید.
- یزدی، محمد (۱۳۷۵). **قانون اساسی برای همه**. تهران: نشر امیرکبیر.
- **Accountability: power, Ethos and the Tecnologies of Managin** (1996). Edited by R.Munro, J.Mouritsen, London: International Thomson Business press.
- **The Blackwell Encyclopedic Dictionary of Organizational Behaviour**(1995). Edited by Nigcl Nicholson, Cambridge: Blackwell Business.
- Tucker, Vincent; Cass, Fank & co. Ltd (ed.) (1996). "Governance and the Discipline of Development". **The European Journal of Development Research**. volume 8, Number 2, December.

